

متن پرسش

سلام علیکم استاد عزیز: در کتاب بصیرت فاطمه زهرا (س) در بخش (ریشه عدم بصیرت روشنفکران ما نسبت به دشمن) شما فرمودید دانشجویان خط امام «رحمة الله علیه» به سفارتخانه آمریکا در زمان دولت موقت آقای بازرگان حمله می کنند، آقای بازرگان استعفا می دهد که چرا به سفارتخانه آمریکا حمله کرده اید، چون او آمریکا را يك دولت می داند، کنار بقیه دولت های دنیا، در حالی که دانشجویان ما متوجه توطئه های آمریکا زیر پوشش سفارتخانه می شوند. چرا دانشجویان خط امامی می فهمند این سفارتخانه يك جاسوسخانه است و امثال بازرگان و بنی صدر و قطب زاده نمی فهمند؟ ریشه مسئله را در نزدیکی و دوری به بصیرت فاطمه (س) باید جستجو کرد و هوشیاری خاص آن حضرت که جایگاه هر حادثه ای را در متن تاریخ می بیند و نه در شعارها و شخصیت های آن حادثه. اما تحلیل امروز در خصوص تسخیر لانه جاسوسی اینگونه است که چون قبل تر از این شدت احساسات ایدئولوژیک نه فقط در بین سران حکومت که حتی در جامعه به حدی بود که اگر کسی این حرف را می زد می شد جاسوس خائن! امروز است که داریم متوجه می شویم دولت کارتر تا قبل از تسخیر سفارت با دولت موقت برای تأمین امنیت همکاری می کرد و حتی اطلاعات ارتش عراق را در اختیار ایران می گذاشت و حاضر بود همه نوع همکاری و سرمایه گذاری داشته باشد (نخستین دولتی که تنها یک ساعت پس از سقوط بختیار و پیروزی انقلاب، دولت موقت را به رسمیت شناخت آمریکا بود یک روز بعد پاکستان و سه روز بعد از پیروزی شوری به رسمیت شناخت) الآن است که داریم متوجه می شویم تسخیر سفارت و بلوکه شدن سرمایه های ایران در بانک های آمریکا یک بانک آمریکایی را از خطر ورشکستگی حتمی نجات داد امروز است که مطلع شده ایم اشغال سفارت باعث شد پس از نزدیک به یک سال که افکار عمومی مردم جهان حتی در آمریکا و انگلستان به نفع ایران بود و همه انقلاب را تأیید می کردند ناگاه پس از اشغال سفارت اکثر این افکار علیه ایران شد و فضا برای برخورد قهری با انقلاب توسط دولت های بزرگ از تحریم گرفته تا حمایت تسلیحاتی از ارتش عراق فراهم آمد و ... آیا شما اندیشه و طرز فکر امروزی را بر مبنای تسخیر لانه جاسوسی می پسندید؟ من مطلب کپی کردم امیدوارم در سایت بدست شما برسه چون گویا مطالب کپی شده قابل رویت نیست.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: حتماً مطلع هستید که زوایای جریان گروگان گیری جاسوسان در سفارت آمریکا، زوایای دقیقی دارد که باید با دقت دنبال کرد. بنده در جواب جنابعالی یادداشت هایی داشتم

که خدمتتان ارسال می‌کنم تا ان شاء الله خودتان در مورد آن عمل فکر کنید. موفق باشید

در تاریخ معاصر حادثه‌ای به عظمت گروگانگیری نداشته‌ایم. که لازم است در رابطه با آن حادثه دو نوع عامل را در نظر گرفت:

الف) عواملی که ارتباط مستقیم با قضیه داشتند، ولی عوامل اصلی نبودند مثل

۱. پذیرش شاه از سوی آمریکا ۲. ملاقات نخست وزیر دولت موقت با برژینسکی

ب) عوامل اصلی : ۱. گروگانگیری بازتاب طبیعی دخالت‌های آمریکا در پنجاه ساله اخیر در امور مسلمین بود. ۲. بازتاب الهامات تدریجی ولی مؤثر از تعالیم اسلامی، به خصوص تشیع بود و روحیه سازش نکردن با ظلم و ظالم و نگرانی و شناختی که از توطئه آمریکا به عنوان سردمدار استکبار جهانی وجود داشت، الزاماً چنین واقعه‌ای را می‌طلبید.

۳. بازتاب کینه دیرینه‌ای است که در عمق وجدان ملت موجود بود و مذهب و ملیت ما از آمریکا جریحه‌دار شده بود.

۴. بازتاب و تجلی توکل یک ملت به خدا بود که از رهبر الهی خود آموزش دیده بودند.

سفارت در ۱۳ آبان سال ۵۸ به دست دانشجویان افتاد (به مدت ۴۴۴ روز) و مورد پشتیبانی مردم و رهبری قرار گرفت. امام فرمودند: «آن انقلابی بزرگتر از انقلاب اول است». آیت‌الله بهشتی در سمت نایب رئیس مجلس خبرگان از پشتیبانان این کار بودند و گروه‌های چپ و مارکسیست که همیشه مذهبی‌ها را به ساده گرفتن امپریالیسم متهم می‌کردند و معتقد بودند آمریکا با پیچیدگی‌هایی که دارد بالاخره انقلاب را منحرف می‌کند و خودشان را همیشه طلایه‌دار و پیش‌تاز مبارزه با امپریالیسم می‌دانستند، یک مرتبه متوجه شدند در این راه، بسیار بسیار از ملت و رهبر الهی آن عقب افتاده‌اند و به همین جهت در ابتدا می‌گفتند حرکتی است مشکوک ولی بعد که دیگر حیثیتی برای آنها نمانده بود، دیدند حرکتی بسیار انقلابی و سازش ناپذیر است بخصوص که اسناد مربوط به خط میانه و سازشکار داخلی را نیز دانشجویان خط امام منتشر کردند، مثل اسناد مربوط به رابطه پنهانی حسن نزیه، مقدم مراغه‌ای و تیمسار مدنی که همگی از اعضای دولت موقت آقای بازرگان بودند.

افرادی مثل قطب‌زاده و بنی‌صدر با گروگان‌گیری مخالفت کردند و بنی‌صدر گفت: «با گروگان‌گیری، ما گروگان شده‌ایم». و خود را بدین طریق به آمریکا نزدیک کرد و از مسیر حماسی انقلاب و رهبری آن از همان روز فاصله گرفت.

عکس‌العمل آمریکا : ۱. مسدود کردن دارایی‌های ایران. ۲. تحریم اقتصادی ایران توسط متحدین

آمریکا. ۳. حمله ناموفق طبس ۴. تحریک و ایجاد کودتای نوژه ۵. دادن چراغ سبز به عراق برای حمله به ایران

امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه) امر رسیدگی به مسئله گروگان‌ها را به عهده اولین مجلس شورای اسلامی واگذار کردند که نهایتاً در نشست الجزایر و با وساطت آن کشور به نتایج زیر رسید.

۱. اموال ایران از توقیف خارج گشت. ۲. قرار شد اموال شاه و دیگر طاغوتیان فراری با تهیه درخواست حقوقی از سوی ایران به دادگاه‌های صالحه ارجاع شود و آمریکا متعهد گردید در امور ایران مداخله نکند (عجیب اینکه همان‌هایی که می‌گفتند چرا گروگان‌گیری کردید، بعد می‌گفتند چرا گروگان‌ها را محاکمه نمی‌کنید؟).

نتایج گروگان‌گیری

۱. در عرف نظام سیاسی جهان، عملی ارزش آفرین بود که عامل بقا و شخصیت دادن به يك ملت و انقلاب شد.

۲. تحقیر آمریکا که موجب ریشه‌دار شدن انقلاب گردید. ۳. برای جهان روشن شد که سفارت آمریکا، سفارت نبود، بلکه جاسوس‌خانه بود و عملاً حیثیت آمریکا در عرف بین‌المللی برای همیشه از بین رفت. ۴. اسناد نشان داد نوکرهای آمریکا در حال برنامه‌ریزی بر علیه انقلاب بوده‌اند. ۵. شیرازه عوامل توطئه که توسط سفارت رهبری می‌شدند، از هم پاشید، در داخل سفارت‌خانه دستگاه گیرنده و فرستنده عجیبی داشتند که با آن می‌توانستند روی تمام امواج بی‌سیم‌های جمهوری اسلامی بیابند. ۶. بسیاری از عواملشان رسوا شد و بی‌آبرویی برایشان آورد. ۷. بسیاری از برنامه‌های‌شان کشف و خنثی شد. ۸. برای جهانیان روشن شد که آمریکایی‌ها خیلی هم قلدر نیستند و زورشان به امت مؤمن نمی‌رسد. و در نتیجه اُبهت‌شان نزد سایر ملل شکست و تأثیر اسلام در مقابله با قدرت‌های مستکبر نمودار گشت. لانه جاسوسی آمریکا را دانشجویان خط امام گرفتند. امام فرمودند: این انقلاب از انقلاب اول مهمتر بود، به جای اینکه بگویند چرا این جوانان ما را با آمریکا درگیر کردند، از کار آنها استقبال نمودند و عملاً انقلاب را چند قدم جلو آوردند. این روحیه، روحیه ای است که هرکس سیره اولیاء الهی را بشناسد از آن استقبال می‌کند. فرمایش امروز مقام معظم رهبری «حفظه الله تعالی» بسیار عالمانه بود. ایشان فرمودند کسانی که می‌گویند در دوره سازندگی ما به سازندگی کشور بپردازیم و کاری به آمریکا نداشته باشیم، خیلی ساده هستند. اصلاً مگر می‌شود؟ می‌گفتند استکبار یا با تو می‌جنگد تا تو را به زانو در آورد یا باید از اول تسلیم او شوی. مگر او می‌گذارد ما سازندگی مان را بکنیم. جنس حرکت‌های توحیدی و انقلابی این است که موحدان در کنار سازندگی، جنگ هم داشته باشند و از حادثه‌ها هراسی به خود راه ندهند. آری «التَّاجِرُ مُخَاطِرٌ» تجارت بی‌خطر نمی‌شود. زندگی يك تجارت پر

مخاطره است. شما از خطر نترسید زیرا که جلوه ای از گوهر عقیده و ایمان شما در همین مخاطرات به نمایش می آید و از آن طرف وَهْمی بودن شخصیت دشمنان اسلام نیز ظاهر می گردد.

زندگی های تاریخ ساز

انسانی که از این قاعده غافل است انتظار دارد برای انجام برنامه هایش هیچ مانع و مخاطره ای پیش نیاید و لذا در مقابل اولین مانع ناراحت و عصبانی می شود، که ای وای حالا این حادثه ی غیر منتظره همه کارها را خراب می کند. ولی زیبایی های کار در درست برخورد کردن با همین حادثه ها است. راستی اگر معاویه در همان ابتدای حاکمیت علی (ع) مزاحم آن حضرت نبود، آیا امروز تاریخ شاهد بزرگی های آن حضرت می شد؟ درست است که به ظاهر کارهای معاویه و خوارج برای برنامه های آن حضرت مزاحمت ایجاد کرد ولی آن حضرت در همین مخاطرات بشر را به چشمه های هدایت ابدی متصل نمودند و تا تاریخ، تاریخ است بشر می تواند از شخصیت آن حضرت تغذیه کند. بنده در کارهای اجرایی متوجه شدم اصلاً مخاطره جنس کار است. و مدیر آن است که مخاطره ها را به سوی اهداف خود جهت دهد و نه از آن فرار کند.